

حکم سنت پیامبر ﷺ در کتاب خداوند ﷻ

و از جمله آیاتی که در این باره نازل شده است: ﴿و از خدا و رسول [او] اطاعت کنید، باشد که مورد رحمت قرار بگیرید﴾ [آل عمران: ۱۳۲].

همچنین می‌فرماید: ﴿ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از خداوند اطاعت کنید و از رسول [او] و صاحبان امرتان [نیز] اطاعت کنید، هرگاه در چیزی اختلاف ورزیدید، اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، آن را به خدا و رسول بازگردانید. این بهترین و نیکوترین تفسیر است﴾ [النساء: ۵۹].

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿هرکس از رسول [خدا] اطاعت کند، در حقیقت از خداوند اطاعت کرده است. و کسی که روی گرداند، [بدان که] تو را بر آنان نگهبان نفرستاده‌ایم﴾ [النساء: ۸۰].

چگونه ممکن است خداوند تعالی به اطاعت از چیزی امر فرموده باشد و آن چیز وجود نداشته باشد و یا قابل دسترسی نباشد؟! ذات تعالی می‌فرماید: ﴿... و به تو قرآن نازل کردیم تا برای مردم روشن سازی، آنچه را که بر آنان فروفرستاده شده است، و باشد که اندیشه کنند﴾ [النحل: ۴۴].

همچنین می‌فرماید: ﴿و کتاب را بر تو فروفرستادیم مگر برای این که، آنچه را که در آن اختلاف ورزیدند، برایشان روشن سازی و [نیز برای] راهنمایی و رحمتی برای گروهی که ایمان می‌آورند﴾ [النحل: ۶۴].

طبق این آیات، روشن‌گر و توضیح دهنده‌ی قرآن، سنت پیامبر ﷺ می‌باشد، پس چگونه ممکن است، روشن‌گر قرآن، که همان سنت است وجود نداشته باشد و قابل دسترسی نباشد!!

خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿بگو: از خداوند اطاعت کنید و از رسول [او نیز] اطاعت کنید. و اگر روی بگردانند، بر [عهده‌ی] او [پیامبر] تنها همان است که به آن مکلف شده است و بر [عهده‌ی] شماست آنچه تکلیف یافته‌اید. و اگر از او اطاعت کنید، راه خواهید یافت. و بر [عهده‌ی] رسول [ما] جز پیام رسانی آشکار نیست﴾ [النور: ۵۴].

می‌فرماید: ﴿و نماز را بر پا دارید، و زکات را بپردازید، و از رسول [خدا] اطاعت کنید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید﴾ [النور: ۵۶]. خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿بگو: ای مردم! من فرستاده‌ی خداوند به سوی همه شما هستم، کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست، برستش شونده‌ی بر حق جز او وجود ندارد، زنده می‌کند و می‌میراند. پس به خداوند و رسول او، آن پیامبر درس ناخوانده‌ای که به خداوند و سخنان او ایمان دارد، ایمان آورید و از او پیروی کنید، باشد که راه یابید﴾ [الاعراف: ۱۵۸].

در این آیات دلیل واضحی است که هدایت و رحمت در اتباع و پیروی از رسول الله ﷺ می‌باشد.

و این امر چگونه ممکن است صورت پذیرد در حالی که سنت پیامبر ﷺ وجود نداشته باشد و یا این که تحریف رفته باشد؟! خداوند تعالی می‌فرماید: ﴿... پس باید آنان که بر خلاف فرمان او رفتار می‌کنند، برحذر باشند، که بلایی به آنان برسد، یا عذابی دردناک گریبانگیرشان شود﴾ [النور: ۶۳].

خداوند می‌فرماید: ﴿و آنچه که رسول [خدا] به شما داد، آن را بگیرید. و از آنچه که شما را از آن باز داشته است، باز آیید﴾ [الحشر: ۷]. آیات درباره‌ی این موضوع و مطلب بسیار است و همه‌ی آنها بر وجوب اطاعت رسول الله ﷺ و بر پیروی از آنچه او آورده است دلالت می‌کنند. نتیجه‌ای که از آنها حاصل می‌شود این است که قرآن دلیلی بر این می‌باشد که سنت پیامبر ﷺ قابل دسترسی است و باید تبعیت و اطاعت از آن صورت پذیرد.

این آیات در ما یقین ایجاد می‌کند که سنت پیامبر ﷺ قابل استفاده است و بعد از قرآن بالاترین مطلب می‌باشد

لطفاً به نیت خیرخواهی تکثیر نمایید و پخش کنید

حکم سنت در مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله

از امام ابوحنیفه نعمان بن ثابت رحمه الله در مورد ترک تقلید و وجوب پیروی از حدیث پیامبر ﷺ نقل شده که فرموده است: (حدیث صحیح، مذهب من است).^۱

(برای احدی جایز نخواهد بود که سخن ما را بدون اینکه بداند ما آن را کجا گرفته‌ایم، بپذیرد).^۲

و در روایتی از ایشان نقل شده است: (برای کسی که دلیل مرا نداند، حرام است که بر اساس قول من، فتوا دهد).

علاوه بر آن، در جایی دیگر می‌گوید: (ما آدمیزادیم. امروز سخنی می‌گوییم و فردا از آن رجوع می‌کنیم).

در جایی دیگر خطاب به ابویوسف می‌گوید: (وای بر تو ای یعقوب! هر چه از من می‌شنوی منویس، زیرا امروز چیزی به ذهنم می‌رسد،

فردا آن را ترک می‌کنم و فردا چیزی به ذهنم می‌رسد که پس فردا آن را ترک می‌کنم).^۳

(هر گاه سخن من با کتاب خدا و سنت پیامبر ص، مخالفت داشت، آن را ترک کنید).^۴

اما حدیث صحیح یعنی حدیثی که قابل اعتماد است از دید علمای اهل سنت حدیثی است که:

۱. متصل باشند: یعنی راویان آن تک تک نفرات قبل از خود را دیده باشند و حدیث را از آنان شنیده باشند.

۲. عادل باشند: جوانمرد بوده و اهل دروغ‌گویی و گناه نباشند.

۳. ضابط باشند: حدیث را به خوبی در سینه‌ی خود حفظ کرده و یا آن را نوشته باشند.

۴. شاذ نباشد: حدیث بر خلاف حدیث صحیح دیگری با راوی قویتر نباشد.

۵. معلل نباشد: متن حدیث بیانگر منظور حدیث باشد.

بر گرفته از: ۱- مقدمه‌ی ابن صلاح شهرزوری ۲- الباحث الحثیث فی اختصار العلوم الحدیث - ابن کثیر ۳- تدریب الراوی - سیوطی ۴- منهج النقد فی علوم الحدیث - نورالدین عتر

در نزد تمام علمای اهل سنت بهترین کتاب زیر آسمان خداوند، قرآن است و بعد از آن صحیح بخاری (بخاری) و بعد از آن صحیح مسلم است.

۱- ابن عابدین در «الحاشیه» (۶۳/۱) و در «رسم المفتی» (۴/۱). همچنین ایشان به نقل از «شرح الهدایة» اثر «ابن الشحنة الکبیر شیخ ابن همام» این عبارت را نقل نموده است: هر گاه به حدیث صحیحی دست یافتید که مخالف مذهب شما بود، حدیث را بگیرید که همان است مذهب شما، و این عمل، شما را از حنفی بودن بیرون نخواهد کرد زیرا خود ابوحنیفه فرموده است: «إذا صح الحدیث فهو مذهبی». این را امام ابن عبدالبر از ایشان و دیگران نقل کرده‌اند.

۲- ابن عبدالبر در «الانتقاء فی فضائل الثلاثة الفقهاء» (۱۴۵)، ابن قیم در «اعلام الموقعین» (۳۰۹/۲) و ابن عابدین در «حاشیه» «البحر الرائق» (۲۹۳/۶) و شعرانی در «المیزان» (۵۵/۱) و روایت سوم را عباس الدوری در «التاریخ» ابن معین (۱/۷۷/۶) با سند صحیح از زفر آورده است. و ابن قیم به صحت آن از ابویوسف یقین دارد.

۳- زیرا چه بسا ایشان (در صورت نیافتن حدیث صحیح) از قیاس استفاده می‌کرد و بعد از آن، اگر به حدیث صحیحی دست می‌یافت، از فتوایی که بر اساس قیاس داده بود صرف نظر می‌نمود و به حدیث، عمل می‌کرد.

علامه شعرانی در «المیزان» (۲۲/۱) می‌گوید: «در مورد امام ابوحنیفه رحمه الله ما و هر انسان منصف بر این باوریم که اگر ایشان همانند دیگر ائمه در قید حیات می‌ماند تا اینکه حدیث، توسط حفاظ از شهرها و روستاهای دوردست و از سینه‌ها جمع‌آوری و تدوین می‌شد، یقیناً در مذهب ایشان نیز همانند مذاهب ائمه‌ای که بعد از ایشان زیسته‌اند، احادیث جایگاه بیشتر و قیاس جایگاه کمتری می‌داشت. زیرا در زمان آنها علم حدیث رونق بیشتری پیدا کرد. و احادیث توسط حفاظ جمع‌آوری و تدوین گردید و همین، تنها دلیل کمبود قیاس در مذاهب دیگر و کثرت آن، در مذهب امام ابوحنیفه رحمه الله می‌باشد» سخنان شعرانی را علامه ابوالحسنات در «النافع الکبیر» (۱۳۵) به طور مفصل آورده و آنها را مورد تأیید قرار داده و شرح داده است.

۴- الفلانی در «الایقظ» (ص ۵۰) و آن را به امام محمد نیز نسبت داده است. لطفاً به نیت خیرخواهی تکثیر نمایید و پخش کنید